

اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی

دکتر محمدحسین پناهی*

دکتر فریبا شایگان**

تاریخ دریافت: ۸۶/۴/۲۶

تاریخ پذیرش: ۸۶/۹/۲۵



چکیده

اعتماد سیاسی به رابطه مردم و دولت می‌پردازد. تحقیقات صورت گرفته حکایت از روند نزولی اعتماد سیاسی در ایران از اول انقلاب تاکنون دارد. از جمله عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی که در تئوریهای جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر و نظریه پردازان سرمایه اجتماعی بر آن تأکید شده، دین است. این عامل در کشور ایران که حکومت دینی برقرار است و دخالت دین در سیاست واضح و آشکار است، بیشتر قابل بررسی است. گیدنز، تأثیر دین بر اعتماد سیاسی را از ویژگی‌های جوامع سنتی می‌داند و تعهدات دینی مسئولین در جوامع سنتی، عملکرد نقاط تماس، اعتماد بنیادی و تلاش دولت برای تأمین رفاه اجتماعی - اقتصادی مردم را از دیگر عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی ذکر

* عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

** - عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی.

می‌کند. برای بررسی اعتماد سیاسی در سه حوزه اعتماد به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی به روش پیمایشی از ۶۳۰ نفر از افراد ۲۰ سال به بالای تهرانی که به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شده بودند، اطلاعات جمع‌آوری گردید. نتایج تحقیق نشان داد که اعتماد به نظام سیاسی بیشتر از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. میزان دینداری پاسخ‌گویان و نیز اعتماد بنیادی آنان، رضایت از عملکرد نقاط تماس، برداشت از میزان تعهدات مذهبی مسؤولان و نیز تلاش دولت برای تأمین رفاه اجتماعی - اقتصادی مردم بر اعتماد سیاسی تأثیر دارد. بیشترین تأثیر متعلق به برداشت پاسخ‌گویان از تلاش دولت برای تأمین رفاه مردم است.

واژه‌های کلیدی: اعتماد سیاسی، دینداری، اعتماد بنیادی، دولت رفاه،

نقاط تماس

طرح مسأله

اعتماد، بستر تعاملات و روابط اجتماعی و کانون اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی است. ایجاد ارتباط و تعامل پایدار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، تا حد زیادی به اعتماد و میزان آن در جامعه بستگی دارد. بدون وجود اعتماد، ارتباط یا برقرار نمی‌شود، یا در صورت لزوم، بسیار محدود، بدینانه، شکننده و کاملاً محتاطانه است.

یکی از انواع ارتباط و تعامل در جوامع، ارتباط بین مردم و حاکمیت است. مردم برای رفع نیازهای خود، خصوصاً برای تأمین امنیت و آسایش و مشارکت در امور جامعه، نیاز به ارتباط با حاکمیت دارند. این نیاز، با پیشرفته‌تر شدن جوامع و افزایش روند تقسیم کار و گسترش نظام‌های انتزاعی، روزه‌روز بیشتر می‌شود؛ به نحوی که به قول گیدنز، امروزه جدایی کامل از نظام سیاسی غیرممکن است. از طرفی، دولت‌ها نیز به ارتباط با مردم نیاز دارند. اکثر دولت‌های امروزین، منتخب مردم هستند و دوام و بقای آن‌ها وابسته به حمایت و خواست مردم است. البته این ارتباط و تعامل بین دولت و مردم، باید با سازوکار مناسب خود که همان ایجاد اعتماد سیاسی است، برقرار و حفظ شود.

اعتماد سیاسی به رابطه مردم و دولت می‌پردازد. افزایش این رابطه موجب تعامل بیشتر و بهتر بین مردم و دولت و جلب مشارکت سیاسی مردم می‌شود و در عوض، کاهش آن موجب

عدم حمایت و پشتیبانی مردم از مسؤولان، عدم رعایت قوانین و مقررات (مگر به اجبار)، عدم حمایت از برنامه‌های دولت، کاهش مشارکت سیاسی، فرار از پرداخت مالیات، سرایت بی‌اعتمادی به نهادها و سازمان‌های دولتی و در موارد خیلی حاد، موجب بحران مشروعیت می‌شود. به همین دلیل، اعتماد سیاسی همواره یکی از کانون‌های توجه مسؤولان بوده که به روش‌های مختلف، سعی در افزایش آن داشته‌اند. ولی تحقیقات و مطالعات صورت گرفته در ایران، از سیر نزولی اعتماد سیاسی از اوایل انقلاب تاکنون حکایت دارد؛ به گونه‌ای که اعتماد سیاسی که در سال ۱۳۶۵ به ۸۱ درصد رسیده بود، در سال ۱۳۸۳ به کمتر از نصف این میزان رسیده است. این کاهش، هم شامل اعتماد به کنشگران می‌شود و هم نهادهای سیاسی (صفدری، ۱۳۷۴: ۱۴۵؛ یوسفی، ۱۳۷۹: ۹۷؛ ملک‌پور، ۱۳۸۱: ۱۳۵؛ کوثری، ۱۵۶: ۱۳۸۱؛ و کمالی، ۱۳۸۳: ۳۹۱ و ۳۵۸).

عوامل متعددی بر افزایش یا کاهش اعتماد سیاسی تأثیر می‌گذارند که از جمله آن‌ها دین است. دین در نظریات جامعه‌شناسان کلاسیک، به عنوان عامل مهم تأثیرگذار بر اعتماد مطرح بوده است. در نظریه‌های اندیشمندان متأخر، مانند فوکویاما، گیدنز، پاتنام و کلمن نیز دین به عنوان عامل تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی (که اعتماد، جزء اصلی آن است) مطرح شده است. دین، با آموزه‌های خود و تعالیمی که به پیروان می‌دهد و ارزش‌هایی که مطرح می‌کند و همچنین پاداش و تنبیهاتی که برای اعمال نیک و بد در نظر می‌گیرد، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تمام امور، از جمله در افزایش یا کاهش اعتماد سیاسی داشته باشد. ادیانی که دعوت به همکاری، مساعدت به دیگران، ارتباط با جمع و پرداختن به امور جمعی و اجتماعی می‌کنند، می‌توانند موجب افزایش اعتماد شوند. اکثر آموزه‌های دین اسلام، جمعی، اجتماعی و مروج اعتماد است. لذا انتظار می‌رود که اعتماد سیاسی به عنوان یکی از جنبه‌های اعتماد، در جوامع اسلامی، از جمله ایران، بالا باشد.

در ایران، اکثر مردم، مسلمان هستند، دین و سیاست از هم جدا نیستند و یک نظام سیاسی - دینی واحد حاکم است. افزون بر این یکی از مهمترین ملاک‌های گزینش مسؤولان سیاسی، تعهدات دینی و دینداری است و نهادهای سیاسی باید بر اساس اصول و قوانین اسلامی اداره شوند. از این رو، انتظار می‌رود مردم مسلمان و دیندار ایران هم به دلیل وجود همین ویژگی‌ها، به نظام و سیاستمداران آن، اعتماد بالایی داشته باشند و میزان اعتماد سیاسی مردم بالا باشد.

ولی نتایج تحقیقات انجام شده، خلاف این انتظار را نشان می‌دهد. لذا، این پرسش مطرح می‌شود که آیا میزان دینداری افراد می‌تواند تبیین‌کننده میزان و سطح اعتماد سیاسی آنان باشد؟ و اصولاً چه رابطه‌ای بین دینداری و اعتماد سیاسی در ایران وجود دارد؟

مروری بر تحقیقات پیشین

تحقیقی در استرالیا نشان داد که شرکت در کلیسا، در همبستگی مردم با دیگران و افزایش سرمایه اجتماعی، بسیار موثر بوده است. این تحقیق به بررسی علل کاهش اعتماد به حکومت از ۵۶ درصد به ۲۶ درصد و کاهش اعتماد به بانک‌ها از ۸۰ درصد به ۲۱ درصد، پرداخته است. با استفاده از نظریه پوتنام^(۱) فرضیه اصلی تحقیق این بوده است که افزایش فردگرایی و کاهش پیوند با دیگران، سبب این کاهش است، نتیجه مطالعه نشان داد که اگرچه امروزه نقش کلیساها در ایجاد اعتماد، به اندازه گذشته نیست، ولی با ایجاد و ترویج آشنایی بین افراد و وحدت فکری بین پیروان کلیساها، قطعاً در افزایش اعتماد مردم به یکدیگر و نهادهای سیاسی موثر است (Christian Reserch Association, 2004).

نورن بریتزر به مطالعه رابطه بین اعتماد سیاسی و سرمایه اجتماعی در سوئد پرداخته است. پرسش تحقیق وی این بود که چرا برخی شهروندان، اعتماد سیاسی بیشتری نسبت به دیگران دارند؟ بریتزر با تعریف اعتماد سیاسی، در سه سطح جامعه، نهادها و کنشگران سیاسی به مقایسه‌ای بین اعتماد سیاسی در سطح ملی و سطح محلی با پرسش از ۹۰۴۲ نفر در ۴۵ شهر سوئد پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان داد در کل، افراد دارای منافع سیاسی یا هویت حزبی، یا افرادی که در انجمن‌ها موقعیتی دارند، یا از اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند و نیز کسانی که به نهادهای قضایی، وکلا و قضات اعتماد دارند، دارای اعتماد سیاسی بالایی هستند. افرادی هم که احساس می‌کنند فرصت اعتراض به تصمیمات سیاسی را دارند (حتی اگر اصلاً از این فرصت استفاده نکنند) اعتماد سیاسی بیشتری دارند (Bretzer, 2002: 21).

در ایران نیز تحقیقی با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی درخصوص مشروعیت سیاسی و عوامل موثر بر آن و نیز میزان مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته

است. این پژوهش، با انتخاب ۱۰۶۱ نفر از طریق نمونه‌گیری احتمالی متناسب با حجم از سه شهر تهران، مشهد و یزد و با روش پیمایشی، به سنجش مشروعیت سیاسی در جامعه آماری فوق دست زد. این تحقیق که در آن اعتماد سیاسی به معنای تأیید جمعی بازیگران و به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته شده بود، نشان داد میانگین اعتماد سیاسی در تهران ۳۴، در مشهد ۴۱، در یزد ۴۳ و در کل ۳۹ است (یوسفی، ۱۳۷۹: ۵۹). رابطه دینداری (تجربه دینی) با مشروعیت سیاسی نیز در این تحقیق، مثبت بود.

در تحقیقی دیگر، اعتماد سیاسی در ایران در سه دوره تاریخی مغول، صفویه و قاجاریه، با استفاده از روش تحلیل محتوا، بررسی شده است. جامعه آماری این تحقیق، ۱۵۰ کتاب تاریخی موجود در سه دوره مذکور بوده که از آن‌ها نمونه‌ای با حجم ۵۰ کتاب انتخاب شده است (از دوره قاجار و صفویه هر کدام ۲۰ کتاب و از دوره مغول ۱۰ کتاب). نتایج تحقیق نشان می‌دهد که به طور کلی، اعتماد سیاسی مردم در طول سه دوره تاریخی مغول، صفویه و قاجاریه، پایین‌تر از متوسط، ولی در دوره صفوی نسبت به دو دوره دیگر، بالاتر بوده است. این امر نشان‌دهنده تلاش صفویه در به‌کارگیری سیاست‌های جذب بود. مغول‌ها نیز سیاست‌هایی برای جلب اعتماد مردم از جمله اسلام آوردن برخی پادشاهان، یا به‌کارگیری وزرای ایرانی اعمال می‌کردند. از جمله سیاست‌های جذب که حکومت‌ها به کار می‌بردند، جذب روحانیون توسط حکام و استفاده از دین و ایدئولوژی بود که بیشترین تأثیر را بر اعتماد مردم به حکومت‌ها در طول تاریخ داشت (احمدی، ۱۳۸۱).

آخرین مورد، بررسی رابطه اعتماد سیاسی با اعتماد اجتماعی است. محقق با هدف شناسایی ابعاد، سطوح و عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی به مقایسه اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست و مطالعه وسیع اعتماد اجتماعی در ایران پرداخته است. چارچوب نظری تحقیق، نظریه‌گیدنز در باب اعتماد بوده است که از آن، فرضیاتی در دو سطح خرد و کلان، استخراج و به روش پیمایشی، مورد آزمون قرار گرفته است. داده‌های سطح خرد، از نمونه‌ای به حجم ۸۲۰۶ فرد ۱۵ تا ۵۰ ساله از مراکز ۲۸ استان کشور جمع‌آوری شده است. نتایج تحقیق نشان داد که اعتماد به حوزه سیاست، کمتر از اعتماد به حوزه فرهنگ است. اعتماد به نهادهای سیاسی مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه قضائیه، هر کدام با میانگین ۶۳ درصد بالاترین و به وزارت امور خارجه و وزارت کشور، هر کدام با میانگین ۵۰ درصد، کمترین میزان

را داشت (کمالی، ۱۳۸۳).

مبانی نظری

جامعه‌شناسان کلاسیک به شکل‌های مختلفی به موضوع اعتماد اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند. اسپنسر^(۱) مبنای اعتماد سیاسی را در جوامع نظامی، زور و در جوامع صنعتی، قرارداد می‌داند و جوامع در حال‌گذار را فاقد اعتماد می‌شمارد. البته اسپنسر معتقد است در جوامع صنعتی، اعتماد سیاسی، پایین است؛ زیرا فردگرایی و سودجویی، موجب نادیده گرفتن دولت می‌شود (میزتال، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۶). تونیس، اعتماد واقعی را تنها در جوامع گمین‌شافتی^(۲) می‌بیند که بر اساس ارزشهای دینی و اخلاقی، تقویت می‌شود، ولی در جوامع گزل‌شافتی^(۳)، اعتماد غیرشخصی و تحت تأثیر همکاری‌های اقتصادی، ثروت و یا مهارت و دانش است (میزتال، ۱۳۸۰: ۵۸). از دیدگاه دورکیم، در جوامع مدرن، نمادهای انتزاعی وحدت‌بخش، مثل پرچم‌های ملی و نمادهای مشترک و تظاهرات جمعی هنجار و ارزش‌های جامعه به افراد کمک می‌کنند که به چه کسی اعتماد کنند. در کل، از نظر دورکیم، در جامعه‌ای که انسجام بالا باشد، اعتماد هم بالا است و مهم، رعایت اصول اخلاقی و احترام به حقوق یکدیگر است که محیط را اعتماد‌آمیز می‌کند. زیمل، نیاز به اعتماد را در جوامع مدرن دو چندان می‌بیند؛ زیرا عدم قطعیت‌ها و تجارب متفاوت اجتماعی و افزایش فردگرایی، باعث تشدید بی‌اعتمادی می‌شود (میزتال، ۱۳۸۰: ۶۳-۶۱). وبر نیز مبنای اعتماد سیاسی در جوامع سنتی را پای‌بندی حکام به آداب و رسوم کهن، در برخی جوامع، ویژگی‌های خارق‌العاده و کاریزمایی حکام و در جوامع مدرن، پای‌بندی حکام به قوانین عقلانی می‌داند (احمدی، ۱۳۸۱: ۳۷).

کلمن^(۴) به بحث کلی اعتماد و رابطه امین و اعتمادکننده پرداخته است. آنچه از نظر او در رابطه اعتماد، نقش مهمی ایفا می‌کند، اطلاعات است. آگاهی افراد از سود و زیان اعتماد خیلی به تصمیم‌گیری آنان کمک می‌کند؛ ولی چون همیشه این امکان وجود ندارد، به وعده‌هایی که دیگران خصوصاً کاندیداها می‌دهند اعتماد می‌کنند (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۶۰). کلمن، عواملی چون

1- Spanser

2- Gemenshaft

3- Gezelshaft

4- Colman

عملکرد خوب و موفقیت دولت‌ها و نیز نتایج تحقیقاتی که نشانگر این امر باشد را در افزایش اعتماد مردم به حکومت‌ها مؤثر می‌داند (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۹۶).

مبنای اصلی کار آنتونی گیدنز ۵ در بحث اعتماد، تفاوت بین اعتماد در جوامع سنتی و مدرن است و در این بحث، تأثیر مدرنیته را بر اعتماد می‌سنجد. گیدنز،^(۱) عوامل ایجادکننده اعتماد را در جوامع سنتی، نظام خویشاوندی، اجتماع محلی، دین و سنت می‌داند و در جوامع مدرن، نقش این عوامل را بسیار کم‌رنگ‌تر از پیش دانسته و عامل اصلی ایجادکننده اعتماد را نظام‌های انتزاعی می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۲۳). او سرمنشأ انواع اعتماد را اعتماد بنیادی می‌داند که حاصل نوعی اجتماعی شدن ناخودآگاه است که از تجربیات نخستین مراحل کودکی سرچشمه می‌گیرد. گیدنز معتقد است اگر این اعتماد در کودکی به خوبی شکل بگیرد، پایه و بنیاد همه‌گونه اعتماد بعدی در زندگی فرد می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۱۳).

نوع دوم اعتماد از نظر گیدنز، اعتماد متقابل بین شخصی است که برای ایجاد آن، فرد، هم باید به دیگران اعتماد کند هم خودش مورد اعتماد باشد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۱). سومین نوع اعتماد، اعتماد انتزاعی است. گیدنز معتقد است در جوامع مدرن، اعتماد به اصول شخصی و اعتماد به دیگر افراد ناشناس، برای زندگی اجتماعی گریزناپذیر شده است. وجه عمده اعتماد در این عصر، پای‌بندی‌های بی‌چهره‌ای است که عمدتاً در نظام‌های تخصصی معنا می‌یابد. او ماهیت نهادهای مدرن را عمیقاً وابسته به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی، به ویژه نظام‌های تخصصی می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۹). اگرچه اعتماد به نظام‌های انتزاعی ممکن است احتیاج به رو در رویی مستقیم نداشته باشد، لیکن در عصر مدرن، افراد و گروه‌هایی هستند که این نقش را ایفا می‌کنند و گیدنز آن‌ها را نقاط تماس یا دسترسی می‌نامد. این نقاط تماس، همان نقاط پیوند افراد یا جمع‌های غیرمتخصص با نمایندگان نظام‌های انتزاعی است. اگر کنشگر، تجارب ناخوشایندی در یک نقطه تماس به نظام‌های تخصصی داشته باشد، رابطه اعتماد آمیز فرد با نظام تخصصی مورد نظر، قطع خواهد شد. این نقاط تماس، به کنشگران، اعتماد همراه با آسودگی خاطر می‌دهند. البته این امر، به طرز سلوک نمایندگان یا مجریان نظام هم وابسته است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۳). گیدنز اعتماد به نظام‌های انتزاعی را مستلزم اطمینان به اعتمادپذیری

افراد خاصی می‌داند که نظام را می‌گردانند. این امر در مورد اعتماد به دانش یا مهارت‌هایی که افراد غیرمتخصص هیچ‌گونه دسترسی مؤثری به آن ندارند، نیز صدق می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

گیدنز، اعتماد سیاسی را جزء اعتماد انتزاعی می‌داند. او دولت را در عصر مدرن، تشکیلاتی عمومی تلقی می‌کند که جدایی از آن با توجه به گسترش جهانی دولت‌های ملی امکان‌پذیر نیست. شخص تنها می‌تواند از کشوری به قلمرو حکومتی دیگر برود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۹). در نظر گیدنز، امروزه مردم ضمن بی‌علاقگی به سیاست، خواهان تعریفی جدید از سیاست هستند. آن‌ها به دموکراسی بی‌اعتماد نیستند؛ ولی خواهان تعریفی جدید از سیاستمدارانی هستند که بیشتر با امور واقعاً تأثیرگذار بر زندگی مردم تماس دارند. از نظر او، حکومت‌های مدرن، به رشته پیچیده‌ای از روابط اعتماد میان رهبران سیاسی و عامه مردم وابسته‌اند. نظام‌های انتخاباتی علاوه بر تلاش برای نمایندگی گروه‌های ذی‌نفع، شیوه‌ای جهت نهادمندی نقاط دسترسی هستند که سیاستمداران را با مردم مرتبط می‌سازند. بیانیه‌های انتخاباتی از روش‌های اظهار قابلیت اعتماد به شمار می‌آیند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۹).

او معتقد است حکومت کردن باید با شرایط عصر جدید جهان سازگار باشد. امروزه منابع مشروعیت دولت‌ها تغییر کرده است؛ به طوری که دیگر نمی‌توانند با داشتن دشمن مشخص، کسب مشروعیت کنند. همچنین، امروزه مردم از همان اطلاعاتی برخوردارند که حکومتشان برخوردار است و حکومت‌ها باید به سمت دولت رفاه تغییر رفتار بدهند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۵۲). دولت رفاه باید ضمن تلاش در جهت رضایتمندی شهروندان در همه زمینه‌ها، برای مردم فرصت‌هایی فراهم کند تا بتوانند فعالانه واکنش نشان دهند. دولت رفاه باید اشکال مختلف طرد اجتماعی را در قشر پایین جامعه و اقشار بالای جامعه از بین ببرد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۵۸). دولت باید آزادی و امنیت مردم را تأمین کند و در بازسازی همبستگی اجتماعی، به دمکراتیزه کردن دموکراسی پردازد. گفتگوی عمومی و توانایی سخن گفتن با مردم و نیز واکنش مثبت به جهانی شدن در این زمینه خیلی مهم است. دولت‌ها باید کارآیی اداری خود را افزایش دهند و از دست و پاگیر بودن و ناکارآمدی پرهیز نمایند و در کل باید به مدیریت ریسک در تأمین اجتماعی، اقتصادی و علم و تکنولوژی پردازند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۶۰ - ۵۲).

نوع دیگری از اعتماد که گیدنز به آن می‌پردازد، اعتماد فعالانه است که خاص جوامع

پساستی است. در این جوامع، بدنه سیاسی ملی، تنها به یکی از مرجع‌های زندگی فرد در میان مراجع گوناگون دیگر تبدیل می‌شود. بسیاری از آدم‌ها ممکن است به آنچه در زمینه سیاسی متعارف می‌گذرد توجهی نشان ندهند و برای برخی اصلا مسایل سیاسی مهم نباشد؛ لیکن برخی دیگر به مراتب، بیش‌تر از دوره مدرن، به چگونگی حکومت شدنشان می‌اندیشند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۵۳).

چنانکه آمد، از دید نظریه‌پردازان، عوامل زیادی بر اعتماد و خصوصاً اعتماد سیاسی، تأثیرگذار است. یکی از این عوامل که بیشتر به آن می‌پردازیم و موضوع تحقیق حاضر است دین و ارزش‌های مذهبی است. اسپنسر، دورکیم، تونیس و وبر، هرکدام به‌نحوی بر تأثیر دین و ارزش‌ها و فرهنگ مشترک بر رواج اعتماد، تأکید کرده‌اند. صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی، از جمله کلمن، فوکویاما، پاتنام، گیدنز و پورتر هم بر تأثیر دین بر افزایش سرمایه اجتماعی (که اعتماد هم بخشی از آن است) تأکید زیادی داشته‌اند. اکثر جامعه‌شناسان به نقش دین در همبستگی اجتماعی، فعالیت‌های گروهی، ایجاد اعتماد و دیگر ویژگی‌های سرمایه اجتماعی اشاره دارند. دورکیم، دین را عامل همبستگی اجتماعی می‌داند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۷۸). دیویس، دین را عامل انسجام بخش و تقویت همکاری اعضا و ادی دین را هنجاریبخش و نظم‌آفرین می‌داند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۱۱).

ماکس وبر، دین، ارزشها و جهان‌بینی افراد را الهام‌بخش رفتار آنان می‌داند. توکویل، دین را کلید نیروبخش کمک کردن مردم به یکدیگر و گذشتن از منافع خودشان به خاطر دیگران می‌داند (فرون، ۱۳۶۲: ۹۷). پاتنام، یکی از کارکردهای مهم مذهب را افزایش سرمایه اجتماعی می‌داند. و معتقد است مذهب با تشویق پیروان به فعالیت‌های گروهی، گذران وقت خود با خانواده و دیگران، برگزاری مراسم و برنامه‌های جمعی و کلاس‌های آموزشی، موجب تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود. به اعتقاد او عضویت در گروه‌های مذهبی، با دیگر درگیری‌های مدنی، مثل رأی دادن، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، صحبت با همسایه و پرداخت صدقه همراه است که همه موجب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شوند (Putnam, 2000: 79).

دین از نظر کلمن، فرد را وادار می‌سازد به منافع دیگران توجه کند (Greeley, 2002: 6-8). گیدنز، دین را یکی از عوامل تأثیرگذار بر اعتماد در جوامع سنتی می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

به طور کلی، دین به مردم کمک می‌کند که حرکت به سمت خیر جمعی را درونی کنند و سرمایه اجتماعی را افزایش دهند و در نتیجه، اعتماد به یکدیگر در جامعه افزایش پیدا کند. البته باید توجه کرد که ادیان، همگی به یک شیوه عمل نمی‌کنند. ممکن است برخی از تعالیم ادیان، موجب کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی شود. دین اسلام از ادیانی است که آموزه‌ها و دستورات جمعی‌اش که موجب افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی می‌شود، بسیار بیشتر از دستورات فردگرایانه است.

اگر براساس دیدگاه وبر و گیدنز به بررسی اعتماد سیاسی در ایران بپردازیم، با توجه به این که ایران کشوری در حال گذار از سنتی به مدرن است، مبنای اعتماد سیاسی هم در آن متفاوت خواهد بود؛ به نحوی که هرچه افراد، سنتی‌تر و میزان دینداری آن‌ها بیشتر باشد، ملاک اعتمادشان به مسؤولان، بیشتر اعتقادات مشترک، تعهدات اخلاقی، پیوندهای خویشاوندی و روابط چهره به چهره است و هرچه دارای تفکرات و نوع زندگی مدرن‌تری باشد یا میزان دینداری آنان کمتر باشد، ملاک اعتمادشان هم باید تخصص، تجربه، توانمندی‌ها و عقلانیت حاکمان باشد. حال اگر براساس نظر بریتزر، اعتماد سیاسی را در سه سطح اعتماد به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی در نظر بگیریم (Bretzer, 2002: 7) و اگر ملاک‌های اعتماد به کنشگران سیاسی را طبق نظر گیدنز در جوامع سنتی، دینداری حکام و پیوند قومی آنان با مردم و در جوامع مدرن، تخصص، مهارت و توانایی‌های کارگزاران سیاسی بدانیم، در این صورت می‌توان بین میزان دینداری و سطوح مختلف و ملاک‌های متفاوت اعتماد سیاسی، رابطه برقرار کرد.

در ایران از آنجا که نظام سیاسی بر مبنای اسلام است و اکثریت مردم مسلمان هستند، فرض اولیه بر این است که اکثر مردم به نظام سیاسی اعتماد داشته باشند. همچنین، اکثر دینداران باید به نهادهای سیاسی، بیشتر از کنشگران سیاسی اعتماد داشته باشند؛ زیرا نهادها از دوام و ثبات بیشتری برخوردارند. ولی مسؤولان سیاسی دائماً تغییر می‌کنند، ویژگی‌ها و خصوصیات متفاوتی دارند، و در صحنه عمل ظاهر می‌شوند. لذا ممکن است کنش مسؤولان سیاسی، مورد قبول مردم نباشد و در نتیجه اعتماد به کنشگران سیاسی، کاهش یابد. بر مبنای نظریه‌های فوق می‌توان فرضیات زیر را در مورد رابطه دینداری با اعتماد سیاسی مردم ایران مطرح کرد:

۱- هرچه افراد دیندارتر باشند، میزان اعتماد سیاسی آنان بیشتر است.

- ۲- هرچه تصور افراد از میزان پای‌بندی مسوولان به تعهدات دینی بیشتر باشد، اعتماد آنان به کنشگران سیاسی، بیشتر است.
- ۳- هرچه میزان رضایت افراد از عملکرد نقاط تماس با نظام سیاسی بیشتر باشد، اعتماد سیاسی آنان بیشتر است.
- ۴- هرچه میزان اعتمادبنیادی افراد بیشتر باشد، اعتماد سیاسی آنان بیشتر است.
- ۵- هرچه باور افراد به تلاش دولت در جهت ایجاد رفاه اجتماعی- اقتصادی برای مردم، مثبت‌تر باشد، اعتماد سیاسی آنان بیشتر است.

روش تحقیق

از آنجا که تحقیق حاضر بیشتر به سنجش نگرش افراد و ذهنیت آنان در مورد دین و دولت می‌پردازد، از نوعی روش پیمایشی خاص این‌گونه سنجش‌ها بهره‌گرفته شده است. جمعیت آماری تحقیق را زنان و مردان بالای ۲۰ سال شهر تهران تشکیل می‌دهند که تعداد کل آن‌ها در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، ۳۸۰۱۹۸۱ نفر است (۲۰۸۳۵۵۰ نفر مرد و ۱۷۱۸۴۳۱ نفر زن). به دلیل زیاد بودن تعداد جمعیت، از روش نمونه‌گیری استفاده شد.

از آنجا که اعتبار درونی تحقیق و دریافت پاسخ‌های صحیح برای یافتن رابطه واقعی بین متغیرها از اهمیت زیادی برخوردار بود و نیز به دلیل حساس بودن موضوع و پرسش‌های تحقیق (اعتماد سیاسی و میزان دینداری) و براساس تجربه‌ای که از انجام دو پیش‌آزمون کسب شده بود، روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای (quota sampling) انتخاب شد. برای این منظور، از چند متغیر شامل مناطق تهران، جنس، سن و تحصیلات پاسخ‌گویان، برای لایه‌بندی استفاده شد. آمار جمعیت تهران، براساس مناطق ۲۲ گانه و به تفکیک سن، جنس و تحصیلات، از مرکز آمار ایران تهیه گردید. برای تعیین سهمیه هر گروه، ابتدا از بین مناطق ۲۲ گانه تهران، ۸ منطقه براساس طبقه‌بندی رفیعی از مناطق تهران که با ملاک قیمت زمین مسکونی (افروغ، ۱۳۷۷: ۲۴۷) تهران را به چهار بخش تقسیم کرده، انتخاب شد. سپس تعداد نمونه‌ها به نسبت جمعیت هر منطقه و به تناسب زن و مرد، گروه‌های سنی و تحصیلی، تقسیم شدند. براساس فرمول نمونه‌گیری تصادفی، حجم نمونه، ۴۴۱ نفر شد. برای تکمیل کار، نمونه سهمیه‌ای به ۶۳۰ نفر افزایش یافت. حجم نمونه براساس جمعیت، سن، جنس و تحصیلات، بین هشت

منطقه تقسیم‌گردید.

پرسشنامه تنظیم شده، در دو مرحله و در هر مرحله به تعداد ۵۰ پرسشنامه، پیش‌آزمون شد. بعد از تحلیل عوامل و با در نظر گرفتن آلفای کرونباخ، پرسشنامه با ۴۴ پرسش، نهایی شد. با لحاظ کردن گویه‌ها، درکل پاسخ‌گویان به ۱۱۸ پرسش پاسخ دادند. بیشتر پرسشنامه‌ها به صورت مقیاس‌های چندگویه‌ای تنظیم شده بود تا علاوه بر بالا بردن میزان پاسخ‌گویی، هم امکان شناخت اعتقادات و نگرش‌ها را فراهم نماید و هم سنجش متغیرها در سطح فاصله‌ای، و به کارگیری آزمون‌های پیشرفته آماری را ممکن گرداند. پرسشنامه‌ها با مراجعه به درب منازل افراد نمونه، برگردید.

تعریف مفاهیم

۱- تعریف نظری و عملیاتی اعتماد سیاسی (political trust): استون (Easton) اعتماد سیاسی را «مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به موضوعات سیاسی می‌داند که هم به رژیم سیاسی و هم متصدیان اقتدار در جامعه برمی‌گردند. در واقع، اعتماد سیاسی شکلی از حمایت از رژیم سیاسی و صاحبان اقتدار سیاسی است (Gabrial, 1995: 360). براساس تعریف نظری فوق و سایر تعاریف، تعریف نظری ما از اعتماد سیاسی عبارت است از: اعتماد سیاسی میزان نگرش مثبت و حامیانه مردم نسبت به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی در جامعه. بر مبنای این تعریف، تعاریف عملیاتی، «اعتماد به نظام سیاسی»، «اعتماد به نهادهای سیاسی» و «اعتماد به کنشگران سیاسی» تدوین گردید.

برای سنجش میزان اعتماد به نظام سیاسی (Trust in political system)، نوع‌نگرش پاسخ‌گویان به اصل و اساس نظام، حمایت از آن، چگونگی حمایت از عملکرد سیستم سیاسی و قواعد و قوانین حاکم بر آن، از هفت‌گویه استفاده شد. تعریف نظری اعتماد به نهادهای سیاسی (Trust in political institutions) در تحقیق حاضر «اعتقاد به توانمندی نهادهای سیاسی در حل مسائل پیش روی کشور و نیز رضایت کلی از عملکرد آن‌ها تا زمان حاضر» است. نهادهای سیاسی مورد مطالعه در این تحقیق، با توجه به حیطه وظایف و تأثیری که بر اعتماد سیاسی مردم دارند، مجلس شورای اسلامی، قوه مجریه، پلیس، قوه قضائیه، مجلس خبرگان و شورای نگهبان هستند که هر یک با دو شاخص ۶ گویه‌ای سنجیده شد.

کنشگران سیاسی افرادی هستند که یا با انتخاب مستقیم مردم یا انتصاب توسط مسؤولان منتخب مردم، مسؤولیت اجرایی را در سطوح بالا به عهده دارند (Bretzer, 2002: 7). با بررسی تعاریف مختلف، تعریف زیر از اعتماد به کنشگران سیاسی را مبنای کار قرار دادیم: اعتقاد به این که مسؤولان سیاسی فعلی کشور شایستگی اداره امور کشور را از نظر تخصص، تجربه، تدبیر و تعهد لازم دارند و در تصمیم‌گیری‌ها منافع عمومی را مدنظر قرار می‌دهند. در واقع، کنشگران سیاسی در این تحقیق مسؤولین طراز اول کشورند که تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی را انجام می‌دهند. با الهام از نظریه شخصیتی مونچ و چلبی (چلبی، ۱۳۷۵: ۴۰-۲۳۹)، این مفهوم با شاخص ۱۳ گویه‌ای از ویژگی‌های شخصی چون هوش، توان‌اجرا، تعهد عمومی و هویت فردی کنشگران سیاسی سنجیده شد.

۲- متغیر مستقل: دینداری (Religiosity): تعریف مورد نظر ما از میزان دینداری در این تحقیق عبارت است از: پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، احکام و اخلاقیات دین اسلام توسط فرد و تلاش در جهت عمل به آن‌ها. شاخص سنجش میزان دینداری در سه بعد تجربی، پیامدی و مناسکی، شامل ۱۰ گویه گردید که اکثرگویه‌ها در تحقیقات قبلی، آزمون و مناسب سنجش دینداری ایرانیان تشخیص داده شده است.

۳- تعریف نظری و عملیاتی اعتماد بنیادی (Basic trust): اعتماد بنیادی، وثوق و اطمینان به اشخاص صالح و معتبر است که معمولاً از نخستین تجربیات کودک حاصل می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۴).

از نظر اریکسون، اعتماد بنیادی نه تنها به این معناست که «شخص اتکا به یکنواختی و تداوم تأمین‌کنندگان خارجی‌اش را یادگرفته، بلکه این را نیز فراگرفته است که می‌تواند به خودش هم اعتماد کند» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۱۳). تعریف مورد نظر ما در تحقیق حاضر از اعتماد بنیادی، وضعیتی است که در آن، شخص علاوه بر اعتماد به دیگران صالح و معتبر و خوش‌بینی نسبت به زندگی، به خود هم اعتماد دارد. این مفهوم، با شاخصی ۵ گویه‌ای سنجیده شد.

۴- تعریف نظری و عملیاتی تلاش دولت برای تأمین رفاه اجتماعی - اقتصادی مردم: گیدنز دولت رفاه را نظام سیاسی می‌داند که مجموعه گسترده‌ای از مزایای رفاهی را برای شهروندان فراهم می‌سازد (۱۳۷۶: ۸۲۰). همچنین، دولتی که فرصت‌هایی برای اعضای جامعه فراهم می‌کند تا بتوانند فعالانه‌تر در مقابل مسائل مبتلا به خود و نیز فرصت‌هایی که می‌توانند از آن

استفاده کنند، واکنش نشان دهند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۵۷). تعریف ما از این متغیر در این تحقیق عبارت است از: نگرش مردم نسبت به میزان تلاش و موفقیت دولت در ارایه مجموعه‌ای از مزایای رفاهی برای شهروندان و ایجاد فرصت‌های لازم تا مردم بتوانند فعالانه با استفاده از این فرصت‌ها به امکانات مادی و رفاهی دست یابند و زندگی بهتری برای خود فراهم سازند. شاخص سنجش این مفهوم، از ۶ گویه تشکیل شده است.

۵- تعریف نظری و عملیاتی نقاط تماس: گیدنز معتقد است، نقاط تماس، همان نقاط پیوند افراد یا جمع‌های غیرمتخصص با نمایندگان نظام‌های انتزاعی است؛ پیوندگاه‌هایی که در آنجا اعتماد را می‌توان حفظ یا بناکرد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۰۵). تعریف مورد نظر این تحقیق از نقاط تماس عبارت است از: افراد و گروه‌هایی که برای مردم به عنوان نماینده نهادها یا کنشگران سیاسی مطرح می‌شوند و موجب پیوند افراد با نهادها و کنشگران تخصصی سیاسی می‌شوند. عملکرد این نقاط تماس می‌تواند بر اعتماد یا بی‌اعتمادی سیاسی مردم تأثیر بگذارد. آن چه در تحقیق حاضر سنجش می‌شود، میزان رضایت مردم از عملکرد نقاط تماسی است که اولاً به نحوی با نظام سیاسی، نهادهای سیاسی یا کنشگران سیاسی در ارتباط هستند و مردم عملکرد آن‌ها را به دولت نسبت می‌دهند و ثانیاً اکثریت مردم با این سازمان‌ها ارتباط مستقیم دارند. برای مطالعه این متغیر، رضایت مردم از عملکرد بیمارستان‌های دولتی، مدارس دولتی، میزان اعتماد به پلیس و رضایت از عملکرد آن و نیز اعتماد به مأموران و کارکنان شهرداری و رضایت از عملکرد آن‌ها مورد سنجش قرار گرفت. این متغیر، با طیفی شامل ۸ پرسش سنجیده شد که پاسخ‌های آن‌ها از بسیار زیاد تا بسیار کم است.

۶- تعریف نظری و عملیاتی تعهدات مذهبی مسوولان: تعهد، احساس و وظیفه برای تعقیب عملی و ویژه یا جستجوی هدفی مشخص است. نتیجه چنین احساسی آن است که آزادی انتخاب و تعداد جایگزین‌های اعمال اجتماعی محدود می‌شود (عضداتلو، ۱۳۸۴: ۱۹۸). تعریف مورد نظر ما در این تحقیق عبارت است از: میزان پای‌بندی مسوولان به اصول و اعتقادات اسلامی و عمل براساس این اعتقادات. این مفهوم، با سنجش نگرش افراد نسبت به میزان تعهدات مذهبی مسوولانی که در رأس امور قرار دارند و تصمیم‌گیرندگان مهم مملکتی به حساب می‌آیند، بررسی گردید. این متغیر با شاخصی ۷ گویه‌ای سنجیده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات

داده‌ها، پس از جمع‌آوری، با استفاده از نرم افزار SPSS، وارد کامپیوتر شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این قسمت ابتدا به توصیف کوتاهی از نمونه بررسی شده می‌پردازیم. سپس میزان اعتماد سیاسی پاسخ‌گویان، یا متغیر وابسته تحقیق، آرایه می‌شود و پس از آن به توصیف متغیرهای مستقل می‌پردازیم. در قسمت بعدی مقاله فرضیات مطرح شده مورد آزمون قرار می‌گیرند.

مشخصات پاسخ‌گویان

جدول ۱، توزیع جنسی و سنی پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد

جدول ۱- توزیع پاسخ‌گویان براساس جنس و سن

نام متغیرها	مقولات	فراوانی	درصد
جنس	زن	۳۱۱	۴۹/۴
	مرد	۳۱۹	۵۰/۶
	جمع	۶۳۰	۱۰۰
سن	۲۰-۲۹	۱۹۶	۳۱/۱
	۳۰-۳۹	۱۶۱	۲۵/۶
	۴۰-۴۹	۱۲۳	۲۹/۵
	۵۰-۵۹	۷۶	۱۲/۱
	۶۰+	۷۴	۱۱/۷
جمع	۶۳۰	۱۰۰	

براساس جدول فوق، تعداد پاسخ‌گویان مرد، یک‌درصد بیشتر از زنان است، میانگین سنی پاسخ‌گویان، ۳۸ سال است و سنین ۲۰-۲۹ بیشترین درصد و سنین ۶۰ سال به بالا، کمترین درصد پاسخ‌گویان را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد این توزیع با توزیع سنی جمعیت تهران، هماهنگی نزدیکی دارد.

جدول ۲- توزیع میزان تحصیل پاسخ‌گویان

سطح سواد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بی سواد	۹	۱/۴	۱/۴
ابتدایی	۶۲	۹/۸	۱۱/۲
سیکل	۷۵	۱۱/۹	۲۳/۱
دیپلم	۲۶۷	۴۲/۵	۶۵/۶
فوق دیپلم و لیسانس	۱۸۴	۲۹/۲	۹۴/۸
فوق لیسانس و دکترا	۳۳	۵/۲	۱۰۰
جمع	۶۳۰	۱۰۰	—

میانگین و نمای تحصیلات پاسخ‌گویان دیپلم بوده و ۴۲/۵ درصد آنان دارای این مدرک هستند. ۲۳ درصد بی سواد و زیر دیپلم و پاسخ‌گویان دارای تحصیلات عالی نیز ۳۴/۴ درصد را شامل می‌شوند. در مقایسه با توزیع سواد در تهران تحقیقات مشابه که بصورت تصادفی انجام شده‌اند. نتایج نزدیک به درصدهای فوق دارند. در تحقیقی ۲۳ درصد بی سواد و زیر دیپلم، ۴۴/۳ درصد دیپلم و ۳۲ درصد بالاتر از دیپلم بودند (پناهی، ۱۳۸۲: ۱۱۶). در تحقیق کوثری، ۲۱/۵ درصد بی سواد و زیر دیپلم، ۴۲/۸ درصد دیپلم و ۳۵ درصد بالاتر از دیپلم بودند (کوثری، ۱۳۸۴: ۱۵۰).

میزان اعتماد سیاسی پاسخ‌گویان

در این قسمت توصیفی از متغیر وابسته تحقیق و مولفه‌های آن در بین پاسخ‌گویان ارائه می‌شود. جدول ۳ نحوه توزیع اعتماد به نظام سیاسی را نشان می‌دهد:

چنانچه جدول فوق نشان می‌دهد، بر اساس این نمونه، ۶۳/۲ درصد پاسخ‌گویان، نسبت به جمهوری اسلامی اعتماد زیادی دارند و ۲۰ درصد هم اعتمادشان به نظام سیاسی کم است. این درصد بالا، نشانگر حمایت اکثریت پاسخ‌گویان از اصل و اساس نظام سیاسی و مشروعیت بالای نظام در بین آنان است. از آنجا که نزدیکی زیادی بین این نوع از اعتماد با مشروعیت سیاسی وجود دارد، اگر این بخش از اعتماد سیاسی کاهش یابد، نظام با بحران مشروعیت

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد اعتماد پاسخ‌گویان به نظام سیاسی

اعتماد به نظام سیاسی	فراوانی	درصد
بسیار زیاد	۲۳۵	۳۷/۳
زیاد	۱۶۴	۲۶/۰
کم	۸۶	۱۳/۷
بسیار کم	۳۹	۶/۲
بی نظر	۱۰۶	۱۶/۸
جمع	۶۳۰	۱۰۰

روبه‌رو می‌شود. درصد بالای بی نظر نیز می‌تواند در اثر حساسیت موضوع باشد و قدری این توصیف را دچار تورش کند. برای توضیح بیشتر این بخش از اعتماد، نحوه پاسخ به هریک از گویه‌ها را در جدول ۴ ملاحظه می‌کنید.

جدول ۴- توزیع درصد اعتماد پاسخ‌گویان به نظام سیاسی (N=۶۳۰)

ردیف	گویه‌ها	بسیار موافقم	موافقم	مخالفم	بسیار مخالفم	بی نظر	بی جواب
۱	از این که در جمهوری اسلامی زندگی می‌کنم احساس غرور می‌کنم	۵۴/۴	۳۱/۶	۳/۷	۴/۰	۱۴/۱	۱/۳
۲	از اکثر مواضع نظام جمهوری اسلامی در امور داخلی دفاع می‌کنم	۳۶/۰	۳۲/۴	۶/۵	۴/۴	۱۸/۱	۲/۵
۳	اگر حادثه‌ای نظیر جنگ در کشور پیش آید، حاضر به دفاع از نظام هستم	۴۹/۰	۳۰/۵	۳/۲	۴/۸	۱۰/۸	۱/۷
۴	اگر دوباره رفراندوم شود به جمهوری اسلامی رأی خواهم داد	۴۸/۴	۲۵/۱	۳/۷	۵/۹	۱۴/۱	۲/۷
۵	مردم در تصمیم‌گیری‌های نظام نقش کاملاً جدی دارند	۳۲/۷	۲۸/۱	۱۱/۳	۹/۸	۱۵/۷	۲/۴

ادامه جدول شماره ۴

ردیف	گروه‌ها	بسیار موافقم	موافقم	مخالقم مخالقم	بسیار	بی‌نظر	بی‌جواب
۶	قانون اساسی طوری تنظیم شده که هم دین مردم حفظ شود هم دنیای آن‌ها	۱۷/۰	۳۱/۷	۱۳/۲	۶/۲	۲۸/۷	۳/۲
۷	درکل عملکرد نظام به نفع مردم است	۱۸/۱	۳۱/۶	۱۶/۳	۸/۶	۲۲/۲	۳/۲
۸	از اکثر مواضع نظام جمهوری اسلامی در امور خارجی دفاع می‌کنم	۳۱/۰	۳۵/۹	۶/۰	۵/۱	۱۸/۷	۳/۳

جدول فوق نشان می‌دهد که نظر پاسخ‌گویان نسبت به اکثر گروه‌های اعتماد به نظام سیاسی، مثبت است و به جز دو مورد (نظر نسبت به قانون اساسی و عملکرد نظام) که حدود ۵۰ درصد است، سایر گروه‌ها بیش از ۵۰ درصد مورد موافقت پاسخ‌گویان قرار دارد. جالب توجه است که ۷۷ درصد پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند از این که در جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند احساس غرور دارند. این درصد، در تحقیق کوثری که به شیوه تصادفی در تهران انجام شده ۷۰ درصد است که نزدیک به هم هستند (کوثری، ۱۳۸۱).

دفاع از مواضع نظام، بخشی از مشروعیت نظام را تأمین می‌کند که حدود ۶۸ درصد پاسخ‌گویان از مواضع داخلی و خارجی نظام حمایت می‌کنند. حمایت از کشور و آمادگی دفاع از نظام در صورت بروز جنگ نیز نشانگر حمایت پاسخ‌گویان، اعتماد آن‌ها و مشروعیت نظام سیاسی است. چنان که این تحقیق نشان می‌دهد، حدود ۸۰ درصد پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که در صورت بروز جنگ، حاضر به دفاع از نظام و کشور خود هستند رأی مجدد به جمهوری اسلامی در صورت رفراندوم (۷۳/۵ درصد) هم نشان دیگری از اعتماد و اعتقاد پاسخ‌گویان نسبت به اساس جمهوری اسلامی است.

اعتماد به نهادهای سیاسی نظام جمهوری اسلامی، در قالب دو شاخص رضایت از عملکرد نهادها و امید نسبت به حل مسائل مربوط به هرنهاد در آینده، مورد پرسش قرار گرفت که نتایج به دست آمده به شرح ذیل است:

جدول ۵- توزیع فراوانی و درصد اعتماد پاسخ‌گویان نسبت به نهادهای سیاسی

اعتماد به نهادهای سیاسی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار زیاد	۸۸	۱۴	۱۴
زیاد	۱۶۵	۲۶/۲	۴۰/۲
متوسط	۲۳۷	۳۷/۶	۷۷/۸
کم	۹۱	۱۴/۴	۹۲/۲
بسیار کم	۴۹	۷/۸	۱۰۰
جمع	۶۳۰	۱۰۰	—

۴۰/۲ درصد از پاسخ‌گویان، به نهادهای سیاسی نظام اعتماد زیادی دارند؛ ۳۷/۶ درصد هم در حد متوسط و ۲۲/۲ درصد اعتماد کمی به نهادهای سیاسی مورد مطالعه در این تحقیق دارند. ملاحظه می‌شود که در مقایسه با اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد پاسخ‌گویان به نهادهای سیاسی، بسیار کمتر است. نهادهای مورد نظر، برای مردم شناخته شده‌اند و به دلیل ارتباطی که مردم با آن‌ها دارند می‌توانند ارزیابی عینی‌تری از عملکرد آن‌ها داشته باشند. لذا ممکن است انتظارات مردم برآورده نشده و همین امر موجب کاهش اعتماد به نهادها گردد. اعتماد پاسخ‌گویان به نهادهای سیاسی، به ترتیب از بالاترین تا کمترین، بدین ترتیب بوده است: قوه مجریه (۴۹ درصد)، مجلس خبرگان (۴۰ درصد)، شورای نگهبان (۳۷ درصد)، نیروی انتظامی (۳۴ درصد)، قوه قضائیه (۳۳ درصد) و در پایان اعتماد به مجلس شورای اسلامی (۲۹ درصد). این که اعتماد به مجلس شورا، که منتخب مردم است، در پایین‌ترین حد قرار دارد، جای تأمل فراوان دارد.

اعتماد به کنشگران سیاسی به عنوان بخش دیگری از اعتماد سیاسی، شامل چهار بعد از ویژگی‌های مسئولان فعلی نظام سیاسی بود که عبارتند از: اعتقاد به هوشمندی سیاسی، توانایی، تعهد عمومی و هویت فردی کنشگران سیاسی.

جدول ۶- توزیع فراوانی درصد اعتماد پاسخ‌گویان به کنشگران سیاسی

اعتماد به کنشگران سیاسی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار زیاد	۵۲	۸/۳	۸/۳
زیاد	۱۷۱	۲۷/۱	۳۵/۴
متوسط	۲۶۹	۴۲/۷	۷۸/۱
کم	۱۰۹	۱۷/۳	۹۵/۴
بسیار کم	۲۹	۴/۶	۱۰۰
جمع	۶۳۰	۱۰۰	—

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد، پاسخ‌گویان ما اعتماد زیادی به کنشگران سیاسی ندارند و در کل، حدود ۳۵ درصد اعتماد بسیار زیاد و زیاد به کنشگران سیاسی دارند. ۴۲/۷ درصد پاسخ‌گویان اعتمادی در حد متوسط و ۲۱/۹ درصد هم در حد کم نسبت به کنشگران سیاسی ابراز کرده‌اند. این یافته‌ها با یافته‌های یوسفی که در سال ۷۹ با بهره‌گیری از همین شاخص‌ها از تحقیق تصادفی خود به دست آورده بود، (۳۴ درصد)، تقریباً یکسان است. در کل، اعتماد به کنشگران سیاسی از اعتماد به نهادها هم کمتر است. البته، همیشه اعتماد به کارگزاران نظام، کمتر از اعتماد به نظام سیاسی است. دوگان می‌گوید از دست رفتن اعتماد به نهادها یا حاکمان و نقد سیاسی آنان در دموکراسی‌های پیشرفته از این حقیقت نشأت می‌گیرد که دست‌اندرکاران باید تحت مراقبت مستقیم و دائمی عامه مردم تصمیم‌گیری کنند و این امر در کشوری که مردم حق انتقاد دارند موجب می‌شود که مردم اعتماد به رهبران را با سهولت بیشتری از عدم اعتماد به نظام از دست بدهند (دوگان، ۱۳۷۴: ۹). در کل با جمع سه شاخص اعتماد به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی، اعتماد سیاسی به دست می‌آید که در جدول ۷ ارائه شده است.

با توجه به یافته‌های اعتماد سیاسی کل، ۴۲ درصد پاسخ‌گویان، اعتماد زیاد، ۳۱ درصد در حد متوسط و ۲۷ درصد اعتماد کمی دارند. این درصدها هشدار است به مسئولان که در جهت افزایش اعتماد سیاسی مردم تلاش کنند. افزایش بی‌اعتمادی، زنگ خطری برای کاهش مشروعیت نظام و ایجاد بحران مشروعیت است. اگرچه براساس نظر ماتی‌ه دوگان، اعتماد

جدول ۷- توزیع فراوانی و درصد اعتماد سیاسی کل پاسخ‌گویان

اعتماد سیاسی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار زیاد	۷۴	۱۱/۶	۱۱/۶
زیاد	۱۹۱	۳۰/۳	۴۱/۹
متوسط	۱۹۶	۳۱/۱	۷۳/۰
کم	۱۲۵	۱۹/۸	۹۲/۸
بسیار کم	۴۴	۷/۲	۱۰۰
جمع	۶۳۰	۱۰۰	—

سیاسی و مشروعیت سیاسی یکی نیستند، ولی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. مشروعیت سیاسی، بیشتر به اعتماد به نظام سیاسی و قانون اساسی کشور برمی‌گردد که در این تحقیق، نسبتاً بالا است (۶۳/۲ درصد)؛ ولی اعتماد به نهادهای سیاسی و خصوصاً کنشگران سیاسی، پایین است و تأثیر منفی بر اعتماد سیاسی کل دارد. مسؤولان برای افزایش اعتماد سیاسی باید بیشتر به کارگزاران نظام و کنشگران سیاسی توجه کنند تا میزان اعتماد سیاسی بالا برود. زیرا کاهش اعتماد در یک جزء از حکومت ممکن است به دیگری نیز سرایت کند. میلر و سترین هم معتقدند زمانی ما به نهادها و کنشگران اعتماد می‌کنیم که مشروعیت سیستم سیاسی را بالا ارزیابی کنیم (Papadakis, 1999). لذا با پیش‌گیری از افزایش بی‌اعتمادی نسبت به نهادها و کنشگران سیاسی می‌توان از مشروعیت نظام حراست کرد.

توصیف متغیرهای مستقل پژوهش

در این قسمت به توصیف داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل تحقیق می‌پردازیم. میزان دینداری پاسخ‌گویان، متغیر مستقل اصلی و محوری پژوهش است که در سه بعد احساسی، پیامدی و مناسکی سنجیده شد. جدول نحوه توزیع شاخص آن را نشان می‌دهد.

جدول ۸- توزیع درصد شاخص‌های میزان دینداری پاسخ‌گویان

میانگین	ضعیف	متوسط	قوی	ابعاد دینداری
۲/۶	۷/۰	۲۶/۸	۶۶/۲	بعد احساسی
۲/۶	۸/۱	۲۵/۲	۶۶/۷	بعد پیامدی
۲	۱۹/۱	۴۶/۳	۳۴/۶	بعد مناسکی
۲/۵	۲/۵	۴۶/۲	۵۱/۳	دینداری کلی

جدول فوق نشان می‌دهد بعد احساس دینی که به احساس ارتباط و نزدیکی با خداوند برمی‌گردد، با ۶۶/۲ درصد در پاسخ‌گویان، قوی است. بعد پیامدی دینداری پاسخ‌گویان هم به نسبت بعد احساسی، قوی است؛ لیکن در بعد مناسکی که عبادات و اعمال مشخصی است که دین اسلام به پیروان خود توصیه اکید و واجب برای انجام آن دارد و انتظار می‌رود مسلمانان در عمل با انجام این عبادات واجب، مسلمانی خود را به اثبات برسانند، نسبت به سایر ابعاد ضعیف‌تر است و فقط ۳۴/۶ درصد در این بعد قوی هستند. در کل، نیمی از پاسخ‌گویان (۵۱/۳ درصد) دینداری قوی، ۴۶/۲ درصد متوسط و ۲/۵ درصد ضعیف دارند.

تلاش دولت برای تأمین رفاه اقتصادی - اجتماعی مردم، متغیر مستقل دیگری است که با ۶ گویه سنجیده شد. جدول ۹ نشانگر نتایج این متغیر است.

جدول ۹- توزیع فراوانی و درصد تکرش پاسخ‌گویان نسبت به تلاش دولت برای تأمین رفاه

اجتماعی - اقتصادی مردم

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	تلاش دولت
۵/۹	۵/۹	۳۷	بسیار زیاد
۲۸/۴	۲۲/۵	۱۴۲	زیاد
۶۰/۵	۳۲/۱	۲۰۲	متوسط
۸۸/۰	۲۷/۵	۱۷۳	کم
۱۰۰	۱۲	۷۶	بسیار کم
—	۱۰۰	۶۳۰	جمع

جدول فوق نشانگر عدم رضایت پاسخ‌گویان و نگرش منفی آن‌ها نسبت به تلاش دولت برای تأمین رفاه اجتماعی - اقتصادی مردم است؛ به نحوی که نگرش ۴۰ درصد منفی، ۳۲ درصد متوسط و ۲۸ درصد مثبت است.

رضایت از عملکرد نقاط تماس با میزان رضایت پاسخ‌گویان از چندین سازمان نسبت به دولت اندازه‌گیری شد که نتایج با اشاره به گویه‌ها در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰ - توزیع درصد اعتماد پاسخ‌گویان به هر یک از گویه‌های نقاط تماس با نظام سیاسی

ردیف	گویه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	بی‌جواب
۱	رضایت از عملکرد مأموران شهرداری در ارائه خدمات شهری	۱۱/۰	۳۱/۰	۴۱/۷	۹/۲	۶/۰	۳/۳
۲	اطمینان از گرفتن حق خود در شهرداری بدون پارتی بازی	۳/۲	۸/۶	۳۱/۷	۲۸/۱	۲۷/۰	۲/۳
۳	اطمینان از یافتن مال به سرقت رفته توسط پلیس	۲/۲	۱۴/۶	۳۵/۴	۲۵/۷	۲۱/۴	۲/۵
۴	رضایت از عملکرد پلیس در برقراری نظم و امنیت	۷/۹	۲۹/۷	۴۴/۰	۱۲/۱	۵/۱	۳/۲
۵	اطمینان از مدارس دولتی نسبت به تربیت فرزندان	۴/۳	۱۷/۶	۴۵/۱	۱۸/۴	۱۳/۷	۲/۸
۶	رضایت از عملکرد آموزشی مدارس دولتی	۳/۳	۱۵/۴	۴۶/۵	۱۹/۴	۱۳/۸	۲/۷
۷	رضایت از عملکرد مسؤولان و کارکنان بیمارستان دولتی	۱/۳	۱۲/۹	۴۰/۳	۲۰/۶	۲۲/۱	۲/۴
۸	اطمینان از عدم وجود پارتی بازی در سازمان‌های دولتی	۱/۰	۱۰/۵	۳۴/۱	۲۶/۲	۲۷/۳	۲/۳
۹	جمع	۴/۱	۱۷/۸	۴۴/۹	۲۴/۶	۸/۶	۲/۸

از میان نقاط تماس مورد پرسش، بیشترین میزان رضایت از عملکرد مأموران شهرداری در ارایه خدمات شهری است که ۴۲ درصد زیاد و ۴۲ درصد هم در حد متوسط است. اگرچه این میزان رضایت از عملکرد مأموران وجود دارد، لیکن نگرش مثبتی نسبت به خود شهرداری و عدم پارتنری بازی در آن وجود ندارد. مسؤولان باید در زمینه سالم‌سازی ساختار و تشکیلات آن تلاش بیشتری داشته باشند. نظر پاسخ‌گویان در مورد پلیس به عنوان یکی از نقاط تماس بسیار مهم که وظیفه حفظ و تأمین نظم و امنیت داخلی را به عهده دارد، در حد متوسط است؛ ولی اطمینان کمتری نسبت به یافتن مال به سرقت رفته توسط پلیس دارند.

رضایت از عملکرد تربیتی و آموزشی مدارس هم در حد متوسط است (۴۴ و ۴۵ درصد) نکته قابل ذکر این که افراد طبقات بالاتر (که به قول گیدنز پردشدگان خودخواسته هستند) از مدارس غیرانتفاعی استفاده می‌کنند و مدارس دولتی بیشتر اختصاص به طبقات پایین و متوسط جامعه دارند؛ در حالی که این طبقات، حامیان و پشتیبانان واقعی نظام سیاسی هستند لذا، توجه به آن‌ها و رضایت استفاده‌کنندگان از مدارس دولتی، بسیار مهم و تأثیرگذار براعتقاد سیاسی است. از طرفی، مدارس دولتی، تربیت‌کننده نسل آینده جامعه هستند و اگر عملکرد آن‌ها صحیح نباشد، نتیجه منفی آن، چه از نظر علمی، تربیتی و چه سیاسی در آینده برای نظام سیاسی، مشکل آفرین خواهد شد. رضایت از عملکرد کارکنان و مسؤولان بیمارستان‌های دولتی هم زیاد نیست (۴۳ درصد کم و ۱۴ درصد زیاد) و در نهایت ۵۳/۵ درصد پاسخ‌گویان معتقدند که در سازمان‌های دولتی، پارتنری بازی وجود دارد که این درصد، بیانگر نگرش منفی نسبت به نقاط تماس است.

درکل، ۲۲ درصد پاسخ‌گویان، نگرش مثبت، ۴۵ درصد متوسط و ۳۳ درصد نگرش منفی نسبت به نقاط تماس با نظام سیاسی دارند. به نظر می‌رسد مسؤولان برای بدست آوردن اعتماد از دست رفته نسبت به نقاط تماس، نیاز به تجدیدنظر در ساختار سازمان‌های منتسب به دولت و نظارت بیشتر برای حاکمیت قوانین و ضوابط در سازمان‌ها و از بین بردن فساد اداری دارند. نظر پاسخ‌گویان نسبت به تعهدات مذهبی مسؤولان متغیر مستقل دیگری است که با ۷ گویه سنجیده شد.

جدول ۱۱- توزیع فراوانی و درصد تعهدات مذهبی مسؤلان از دید پاسخ‌گویان

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	تعهدات مذهبی مسؤلان
۶/۲	۶/۲	۳۹	بسیارزیاد
۴۶/۸	۴/۶	۲۵۶	زیاد
۸۵/۴	۳۸/۶	۲۴۳	متوسط
۸۷/۶	۱۲/۲	۷۷	کم
۱۰۰	۲/۴	۱۰۵	بسیارکم
—	۱۰۰	۶۳۰	جمع

براساس یافته‌های جدول ۱۱، ۴۶/۸ درصد پاسخ‌گویان میزان تعهدات مذهبی مسؤلان را بسیارزیاد و زیاد، ۳۸/۶ درصد درحد متوسط و ۱۴/۶ درصد کم می‌دانند و این درحالی است که یکی از ملاکهای گزینش مسؤلان از طرف مقامات ذیربط، پای‌بندی آنان به تعهدات مذهبی است.

میزان اعتمادبنیادی پاسخ‌گویان هم متغیر مستقل دیگر، بود که ۱۴/۱ درصد به میزان بسیارزیاد، ۴۴/۱ درصد زیاد، ۳۳ درصد متوسط، ۶/۷ درصد کم و ۲/۱ درصد هم به میزان بسیارکم، اعتماد بنیادی داشتند. درکل ۵۸/۲ درصد پاسخ‌گویان اعتماد بنیادی بالایی داشتند.

بررسی و آزمون فرضیات

در این قسمت به بررسی ۵ فرضیه مطرح شده در مقاله می‌پردازیم.

فرضیه اول: هرچه افراد دیندارتر باشند، میزان اعتماد سیاسی آنان بیشتر است. این رابطه در جدول ۱۲ دیده می‌شود.

جدول ۱۲، حاکی از رابطه خوبی بین میزان دینداری و اعتماد سیاسی پاسخ‌گویان است. براساس ارقام فوق، ۸۷/۵ درصد کسانی که دینداری آنها ضعیف است، اعتماد سیاسی کمی دارند و فقط ۱۳ درصد افراد دینداری زیاد، اعتماد سیاسی کمی دارند و ۵۷/۱ درصد آن‌هایی که دینداری قوی دارند، اعتماد سیاسی‌شان هم زیاد است. ضریب گاما نشانگر همبستگی بالا

جدول ۱۲ - درصد رابطه اعتماد سیاسی و میزان دینداری پاسخ‌گویان

جمع	قوی	متوسط	ضعیف	میزان دینداری
				اعتماد سیاسی
۱۶۹	۱۳/۰	۳۸/۸	۸۷/۵	کم
۱۹۶	۲۹/۸	۳۴	۶/۳	متوسط
۲۶۵	۵۷/۱	۲۷/۱	۶/۳	زیاد
۳۶۰	۳۲۲	۲۹۱	۱۶	جمع
—	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	

Gamma = ۰/۵۷

Sig = ۰/۰۰۰

(۰/۵۷) بین میزان دینداری و اعتماد سیاسی پاسخ‌گویان است. از آنجا که اعتماد سیاسی و میزان دینداری، هر دو در سطح فاصله‌ای قابل اندازه‌گیری هستند، برای تبیین رابطه این دو و پیش‌بینی میزان تغییرات دینداری در اعتماد سیاسی، رگرسیون جزئی هم محاسبه می‌شود.

جدول ۱۳ - تبیین رابطه میزان دینداری و اعتماد سیاسی پاسخ‌گویان

متغیر	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	اشتباه استاندارد	B	Beta	T	سطح معناداری
اعتماد سیاسی و دینداری	۰/۴۷	۰/۲۲	۰/۲۲	دینداری	constant	۱۳/۳	۰/۰۰۰
				۱/۴	۱۷/۵		

جدول ۱۳ نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین دو متغیر، معادل ۰/۴۷ است که با توجه به آماره F و سطح معناداری (خطای یک در هزار) بین دو متغیر میزان دینداری و اعتماد سیاسی، رابطه وجود دارد.

با توجه به R^2 یا ضریب تعیین می‌توان اظهار داشت که میزان دینداری پاسخ‌گویان، ۲۲ درصد واریانس میزان اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند و ضریب تأثیر میزان دینداری بر اعتماد

سیاسی، ۱/۴ است. یعنی به ازای یک واحد تغییر در میزان دینداری افراد، ۱/۴ واحد تغییر در میزان اعتماد سیاسی آنان به وجود می آید. درکل، با توجه به میزان همبستگی های متفاوت و سطح معناداری همبستگی ها، اولین فرضیه تحقیق، تأیید می شود که نشانگر تأیید تئوری های مرتبط با موضوع هم هست. گیدنز، این رابطه را در جوامع مدرن ضعیف می داند؛ ولی از آنجا که کشور ایران در حال گذار از سنتی به مدرن است و نیز به دلیل مسلمان بودن مردم و نوع حکومت که تأکید بر دین اسلام دارد، این رابطه در بین پاسخ گویان قوی بود.

فرضیه ۲: هرچه تصور افراد از میزان پای بندی مسؤلان به تعهدات دینی بیشتر باشد، اعتماد آن ها به کنشگران سیاسی بیشتر است.

جدول ۱۴- میزان اعتماد سیاسی پاسخ گویان بر حسب تصور آنان از میزان تعهدات مذهبی مسؤلان

جمع	زیاد	متوسط	کم	تعهد
۱۶۹	۱/۷	۱۴/۴	۵۰	اعتماد سیاسی کم
۱۹۶	۲۰/۷	۵۲/۳	۳۹	متوسط
۲۶۵	۷۷/۶	۳۳/۳	۱۱	زیاد
۶۳۰	۲۹۵	۲۴۳	۹۲	جمع
—	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	

Gamma = ۰/۷۷ Sig = ۰/۰۰۰

همان گونه که ضریب همبستگی جدول ۱۴ نشان می دهد، همبستگی بسیار بالایی (۰/۷۷) بین اعتماد سیاسی و نگرش افراد نسبت به تعهدات مذهبی مسؤلان وجود دارد. چنان که درصدهای جدول نشان می دهد، ۵۰ درصد کسانی که تعهدات مذهبی مسؤلان را کم ارزیابی کرده اند، اعتماد سیاسی شان هم کم است و ۷۷/۶ درصد کسانی که تعهدات مذهبی مسؤلان را زیاد ارزیابی کرده اند، اعتماد سیاسی شان هم زیاد است. این داده ها حاکی از مذهبی بودن پاسخ گویان و انتظارات بالای آن ها از ضرورت التزام واقعی مسؤلان به دستورات

مذهبی است.

فرضیه ۳: هر چه میزان رضایت از عملکرد نقاط تماس با نظام سیاسی بیشتر باشد، اعتماد سیاسی بیشتر است.

جدول ۱۵: میزان اعتماد سیاسی پاسخ‌گویان برحسب رضایت آنان از عملکرد نقاط تماس

جمع	زیاد	متوسط	کم	عملکرد نقاط تماس / اعتماد سیاسی
۱۶۹	۱/۴	۶/۷	۳۱/۱	کم
۱۹۶	۱۵/۲	۳۸/۵	۴۵	متوسط
۲۶۵	۸۳/۳	۵۴/۸	۲۳/۹	زیاد
۶۳۰	۱۳۸	۲۸۳	۲۰۹	جمع
—	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	

Gamma = ۰/۶۷

Sig = ۰/۰۰۰

همبستگی بالای بین این دو متغیر (۶۷ درصد) در جدول ۱۵ نشانگر تأیید این فرضیه است؛ به نحوی که ۳۱ درصد کسانی که از عملکرد نقاط تماس رضایت ندارند، اعتماد سیاسی کمی دارند. در مقابل، ۸۳/۳ درصد کسانی که رضایت زیادی از عملکرد نقاط تماس دارند، اعتماد سیاسی‌شان هم زیاد است. این موضوع، اهمیت توجه ویژه به نقاط تماس نظام با مردم را نشان می‌دهد و این که نحوه ارتباط و خدمت‌رسانی نظام به مردم و جلب رضایت مردم در این نقاط تماس باید بهبود یابد.

فرضیه ۴: هرچه میزان اعتماد بنیادی افراد بیشتر باشد، اعتماد سیاسی آنان بیشتر است. براساس نظر‌گیدنز، کسانی که اعتماد بنیادی ضعیفی دارند، بی‌اعتمادی در وجودشان ریشه دوانده است و نسبت به همه چیز و همه کس و در این تحقیق، نسبت به نظام سیاسی، نهادها و کنشگران سیاسی هم بی‌اعتماد هستند و برعکس، افرادی که اعتماد بنیادی قوی داشته باشند،

اعتمادشان به نظام سیاسی هم بیشتر می‌شود. جدول ۱۶ این رابطه را نشان می‌دهد:

جدول ۱۶ - میزان اعتماد سیاسی پاسخ‌گویان برحسب میزان اعتمادبنیادی آن‌ها

اعتمادبنیادی / اعتماد سیاسی	کم	متوسط	زیاد	جمع
کم	۴۱/۸	۱۶/۸	۷/۶	۱۶۹
متوسط	۳۸/۲	۴۳/۸	۳۰/۵	۱۹۶
زیاد	۲۰	۳۹/۴	۶۱/۹	۲۶۵
جمع	۵۵	۲۰۸	۳۶۷	۶۳۰
	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	—

Gamma = ۰/۴۷

Sig = ۰/۰۰۰

همان‌گونه که ضریب همبستگی نشان می‌دهد، بین اعتماد سیاسی و اعتماد بنیادی، همبستگی ۰/۴۷ با سطح معناداری ۹۹ درصد وجود دارد. در اینجا نظر گیدنز که معتقد است کسانی که اعتماد بنیادی آن‌ها در دوران کودکی خوب شکل گرفته است، به سایر جنبه‌های اجتماعی و سیاسی هم اعتماد بالایی دارند، تأیید می‌گردد. در این تحقیق هم ۶۲ درصد کسانی که اعتماد بنیادی بالایی دارند، اعتماد سیاسی‌شان هم زیاد است. در مقابل، ۴۲ درصد کسانی که اعتماد بنیادی کمی دارند، اعتماد سیاسی‌شان هم پایین است.

فرضیه ۵: هرچه باور افراد به تلاش دولت در جهت ایجاد رفاه اجتماعی - اقتصادی برای مردم مثبت‌تر باشد، اعتماد سیاسی آنان هم بیشتر است.

جدول ۱۷- اعتماد سیاسی پاسخ‌گویان برحسب تصور آنان از تلاش دولت برای ایجاد رفاه

جمع	زیاد	متوسط	کم	تلاش دولت در تأمین رفاه اعتماد سیاسی
۱۶۹	۰	۵/۹	۲۹/۷	کم
۱۹۶	۱۰/۱	۳۸/۱	۵۱/۸	متوسط
۲۶۵	۸۹/۹	۵۵/۹	۱۸/۵	زیاد
۶۳۰	۱۷۹	۲۰۲	۲۴۹	جمع
—	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	

Gamma = ۰/۸۰

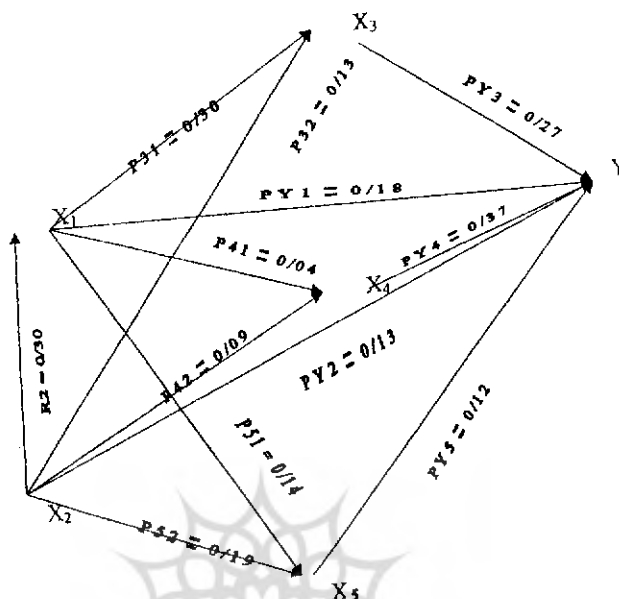
Sig = ۰/۰۰۰

جدول ۱۷ نشان می‌دهد که در بین متغیرهای مورد بررسی، بالاترین همبستگی بین تصور افراد از تلاش دولت برای ایجاد رفاه اجتماعی-اقتصادی با اعتماد سیاسی ۰/۸۰ است و این رابطه به احتمال ۹۹ درصد معنادار است. این رابطه نیز تأیید کننده نظریه گیدنز است که هرچه دولت بیشتر در زمینه رفاه مردم تلاش کند، بیشتر می‌تواند اعتماد مردم را جلب کند. در این تحقیق اعتماد سیاسی ۹۰ درصد کسانی که تصور مثبتی از تلاش دولت در جهت تأمین رفاه مردم داشتند، بالا بود و هیچ کدام از این افراد اعتماد سیاسی شان کم نبود.

رگرسیون چند متغیره هم نشان داد که کل متغیرهای مستقل مورد بررسی همبستگی بالای ۰/۸۰ با اعتماد سیاسی دارند، و مقدار R^2 نشان داد که این متغیرها جمعا ۶۳ درصد تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین می‌کنند.

اثرات مستقیم و غیرمستقیم هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته هم در دیاگرام

مسیر تعیین شده است.



Y = اعتماد سیاسی، X₁ = میزان دینداری، X₂ = اعتماد بنیادی، X₃ = تعهد مذهبی
 X₄ = رفاه اجتماعی - اقتصادی، X₅ = عملکرد نقاط تماس

تأثیر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی ۰/۱۸ است و بیشترین تأثیر متعلق به نگرش افراد نسبت به تأمین رفاه مردم توسط دولت به میزان ۰/۳۷ است. مجموع تأثیرات متغیرها در قالب جدول ۱۸ خلاصه شده است.

جدول ۱۸ - مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	مجموع تأثیرات
میزان دینداری	۰/۱۸	۰/۳۳	۰/۲۹
تعهد مذهبی مسؤولان	۰/۲۷	—	۰/۲۷
عملکرد نقاط تماس	۰/۱۲	—	۰/۱۲
رفاه اجتماعی - اقتصادی	۰/۳۷	—	۰/۳۷
اعتماد بنیادی	۰/۱۳	۰/۹۱	۰/۲۲

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق، بررسی رابطه بین دینداری و اعتماد سیاسی بود. برای این کار نمونه‌ای سهمیه‌ای از مناطق مختلف تهران با حجم ۶۳۰ نفر مورد مطالعه قرار گرفت. در بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی در سه بعد اعتماد به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی، مشخص شد که دین به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی یا بی‌اعتمادی سیاسی پاسخ‌گویان به نظام، نهادها و کنشگران سیاسی بود.

یافته‌های توصیفی نشان داد که ۴۲ درصد پاسخ‌گویان، اعتماد سیاسی بالایی داشتند و اعتماد به نظام سیاسی، بیشتر از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی بود.

آزمون فرضیه اول که رابطه میزان دینداری و اعتماد سیاسی پاسخ‌گویان را می‌سنجید، با همبستگی خوب (۰/۵۷) تأیید گردید. سایر فرضیات هم با همبستگی بالا و سطح معناداری بسیار بالایی تأیید شدند. از آنجا که چارچوب نظری این تحقیق ملهم از نظریه‌گیدنز بود، براساس این پژوهش، بسیاری از نظریات گیدنز تأیید گردید. این امر نشان می‌دهد که نظریه‌وی می‌تواند برای بررسی وضعیت ما مفید باشد. از بین ابعاد اعتماد سیاسی، اعتماد به کنشگران سیاسی، کمتر از اعتماد به نظام سیاسی و نهادهای سیاسی بود و این بی‌اعتمادی بیشتر شامل هوشمندی سیاسی و توانایی اجرایی مسؤولان بود که طبق نظر گیدنز جزو ملاکهای اعتماد به نظام‌های انتزاعی در جوامع مدرن است. ولی اعتماد به تعهد عمومی و تعهدات مذهبی مسؤولان که از ملاک‌های اعتماد در جوامع سنتی است، بالاتر بود. این امر نشان می‌دهد که مردم را جلب می‌کنند ولی توانایی اجرایی و تخصصی و مهارتی زیادی ندارند، یا این که مردم به ملاک‌های سنتی اعتماد، بیشتر اهمیت می‌دهند.

از آنجا که اعتماد سیاسی برای هر نظامی اهمیت جدی دارد، بر مبنای یافته‌های این تحقیق برای افزایش آن در کشور باید اصلاحات ساختاری در سازمان‌های دولتی که مورد مراجعه مردم هستند و به عنوان نقاط تماس مردم با نظام سیاسی عمل کنند، صورت پذیرد؛ به نحوی که عملکرد آن‌ها بر مبنای ضوابط و مقررات باشد، نه بر مبنای روابط و پارتی‌بازی. همچنین، ایجاد دولت رفاه به معنای ایجاد زندگی رضایت‌بخش برای مردم و ایجاد فرصت‌هایی برای آنان تا بتوانند فعالانه نسبت به مسائل پیش‌روی خود واکنش نشان دهند، روش دیگری برای جلب

اعتماد سیاسی مردم است که در تحقیق هم بیشترین تأثیر را در اعتماد سیاسی داشت. گیدنز، همچنین به دولت‌ها توصیه می‌کند که برای ایجاد رفاه اقتصادی - اجتماعی مردم، اقداماتی چون بازسازی همبستگی اجتماعی براساس شرایط جدید جامعه، تأمین آزادی و امنیت مردم، ایجاد اشتغال، از بین بردن شکل‌های مختلف طرد اجتماعی و ارائه آموزش‌های مدنی همراه با مهارت پایه‌ای به مردم برای دستیابی به زندگی بهتر را، در دستور کار خود قرار دهند.

در کل، دولت می‌تواند برای افزایش اعتماد سیاسی با توجه به موارد نظری گفته‌شده برنامه‌ریزی کند که البته با توجه به واقعیت‌های عینی و شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور، برخی از نظریات مذکور، قابل اجرا خواهد بود.

فرضیه مهم دیگر قابل بحث، تأثیر برداشت مردم از تلاش دولت در تأمین رفاه اجتماعی - اقتصادی مردم بر اعتماد سیاسی بود که با همبستگی بسیار بالا (۸۰ درصد) تأیید گردید. رگرسیون چند متغیره حاکی از تبیین ۴۲ درصدی واریانس اعتماد سیاسی توسط این متغیر بود. نتیجه فوق ما را به این واقعیت می‌رساند که به هر حال آنچه برای مردم مهم است و در نگرش آنان نسبت به امور اجتماعی و سیاسی تأثیر زیادی دارد، تأمین رفاه و رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی آنان است. این امر، پاسخی است به کسانی که در این زمینه، آرمانی به موضوع، نگاه و فکر می‌کنند این مسائل در درجه دوم اهمیت برای مردم قرار دارد و بعد معنوی مهمترین نقش را دارد. سلسله مراتب نیازهای مزلو هم تأیید کننده این نظر است. دین اسلام هم بر این موضوع تأکید دارد؛ به نحوی که در احادیث آمده است کسی که نمی‌تواند زندگی و معیشت خود را تأمین کند، دین خود را هم نمی‌تواند حفظ کند. اگرچه ایران کشوری در حال گذار است؛ ولی با این ایده گیدنز در مورد کشورهای مدرن هماهنگی دارد و به نظر می‌رسد تأمین رفاه، مهمترین فاکتور برای کسب اعتماد سیاسی در تمام جوامع، اعم از مدرن، سنتی یا در حال گذار باشد و دولت باید در این زمینه، تلاش مضاعف داشته باشد.

علاوه بر موارد فوق، طبق نظر گیدنز برای افزایش اعتماد سیاسی، خصوصاً در زمانی که نمی‌توان از وجود دشمن مشترک خارجی در این زمینه بهره گرفت، دولت‌ها می‌توانند از تقویت مردم سالاری، افزایش گفتگوی موثر دو طرفه بین مردم و دولت، و ایجاد فرصت‌های بیشتری برای مشارکت معنی دار مردم، استفاده کنند. هابرماس هم لازمه ایجاد اعتماد را فراهم شدن شرایط نقد و گفتگو و اقناع مستدل می‌داند و می‌گوید اگر این زمینه از بین برود، اعتماد

هم که لازمه تفاهم است از بین می‌رود. هرچه حوزه عمومی گسترده‌تر شود، وفاق و اعتمادی هم که بر پایه اقتناع مستدل شکل گرفته باشد، افزایش می‌یابد. هرچه حکومت‌ها در گسترش فضاهای عمومی کوشا تر باشند، به طوری که مخالفان به دور از هرگونه فشار و تطمعی به گفتگوی نقادانه با اصحاب حکومت بپردازند، اعتماد مردم به حکومت‌ها بیشتر خواهد شد (احمدی، ۱۳۸۱: ۸۰). اینگلهارت هم بی‌اعتمادی را ناشی از عدم رضایت از زندگی می‌داند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۵).

در پایان، ضمن تأیید بسیاری از نظریات گیدنز، این نقد بر دیدگاه او وارد است که تأثیر دین بر اعتماد سیاسی را خاص جوامع سنتی دانسته و به وضعیت اعتماد سیاسی در کشورهای درحال‌گذار هم توجه نکرده است. البته وبر و کلمن، تأثیر دین بر اعتماد سیاسی را خاص جوامع سنتی نمی‌دانند. نظر کلمن در مورد تأثیر تعهدات اخلاقی مسؤولان بر اعتماد سیاسی هم تأیید گردید. نکته دیگر این که دیدگاه دوگان^(۱) و بریتزر^(۲) در این مورد که اعتماد به نظام سیاسی، بیشتر از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است، در این تحقیق تأیید شد.

منابع

- احمدی، قاسم. (۱۳۸۱). اعتماد مردم به حکومت‌ها در سه دوره تاریخی مغول، صفویه و قاجاریه. پایان‌نامه فوق‌لیسانس جامعه‌شناسی: دانشگاه علامه طباطبایی.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی*. تهران: نشر دانشگاه تربیت مدرس.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جوامع صنعتی پیشرفته*. ترجمه: مریم وتر. تهران: نشر کوثر.
- پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۲). *عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران*. تهران.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.
- دوگان، ماتیه. (۱۳۷۴). *سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد سیاسی*. ترجمه: پرویز پیران.
- اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۸-۹۷، سال دهم، ۱۰-۴.

- صفدری، سلمان. (۱۳۷۴). *رضایت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۴). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*. تهران: نشرنی.
- فروند، ژولین. (۱۳۶۲). *جامعه‌شناسی ماکس وبر*. ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر رایزن.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- کمالی، افسانه. (۱۳۸۳). *مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاسی*. پایان‌نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- کوثری، مسعود. (۱۳۸۱). *بررسی عوامل مؤثر بر احساس بی‌هنجار سیاسی در شهروندان تهرانی*. پایان‌نامه دکترا جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه: محسن ثلاثی. (چاپ دوم). تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). *راه‌سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی*. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر شیرازه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). *۱۹۸۹ پایان قرن بیستم بود*. گفتگو با آنتونی گیدنز. ترجمه: نیکو سرخوش. کتاب ماه علوم اجتماعی. شماره ۴۸-۴۷، ۶۲-۵۰.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). *فراسوی چپ و راست*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- ملک‌پور، علی. (۱۳۸۱). *تعارض فرهنگی دولت و مردم در ایران*. تهران: نشر آزاداندیشان.
- میزتال، باریارا. (۱۳۸۰). *بررسی مفهوم اعتماد در میان جامعه‌شناسان کلاسیک*. ترجمه: ناصرالدین غراب. نمایه پژوهش، شماره ۱۸، ۶۹-۵۵.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر تبیان.
- هینس، جف. (۱۳۸۱). *دین، جهانی‌شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم*. ترجمه: داوود کیانی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- یوسفی، علی. (۱۳۷۹). بررسی تطبیقی مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران، مشهد و یزد. پایان‌نامه دکترا جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

- Bretzer, Noren. Ylva. (2002). *How Can Institutions Better Explain Political Trust than Capitals Do?* PHD Tesses. University of Gathenburg, Sweden. From: WWW. Goggle. com.

- Christian Research Association. (2004). *Social Capital & Religion in Contemporary Australia*. Published by: Christian Research Association. From: WWW. Google. com.

- Gabriel O.W. (1995). *Political Efficacy & Trust*. Oxford: Oxford University Press.

- Greeley, Andrew. (2002). *Coleman Revisited, Religious Structures as a Source of Social Capital*. from WWW. Goggle. com.

- Papadakis, Elim. (1999). *Constituents of Confidence & Mistrust in Australian Institutions*. Australian Journal of Political Science, 34, (1). 75-93.

- Putnam, Robert.D. (2000). *Bowling Alone*. New York: Touchstone Book. Published by: Simon & Schufter.

- Schiffman & Sherman & Kirpalaini. (2002). *Trusting Souls; A Segmentation of the Voting Public*. Psychology & Marketing. 19, (12), 993-999.